

**بررسی صرفی - معناشناختی تگواژه‌های مشتق ومشتق - مرکب در اشعار ژاله اصفهانی**  
**المقاطع المشتقة والمشتقة - المركبة في اشعار ژاله اصفهانی، دراسة صرفية - دلالية**

**م.م جاسم مجید رشید سلمان**

**جامعة بغداد - كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية**

[jaism.m@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:jaism.m@colang.uobaghdad.edu.iq)

ORCID : <https://orcid.org/0009-0007-8307-162X>

**A Semantic Morphological Study of Derivational Morphemes and  
Compound Derivatives in the Poetry of Galah Esfahan**

**Jassim Majeed Rasheed Salman**

**Assistant Lecturer (Asst. Lecturer)**

**College of Languages – Department of Persian/ University of Baghdad**

**DOI 10.58564/MABDAA.62.1.2023.255**

**Abstract:**

With the Constitutional Revolution, classical literature took a path of inevitable transformation. The most evident change was the linguistic approach and the introduction of new vocabulary, replacing the traditional language with the common language of the people. Undoubtedly, Persian is one of the complex languages in the world, and in comparison to rule-based languages like Arabic, it overlooks the literary and writing instructions, ignoring the differences that are subject to dispute. Contemporary poets introduced new and diverse words into the Persian language, and one of them is Galah Esfahani. This study focuses on her collection and investigates the linguistic structure, particularly in the areas of morphology and its divisions. She is considered one of the prominent voices of her time, following Parvin Etessami, and she has a special understanding of the aspects of inflection and derivation of nouns and verbs. Beautiful combinations exist in her poetry, and the issues of inflection and its divisions are present in the poetry of both contemporary and ancient poets, contributing to the strength and beauty of poetic structure through inflection and derivation (prefixes and suffixes).

**Keywords : Zalah, morphology, prefixes and suffixes.**

**الخلاصة**

الثورة الدستورية للأدب الفارسي كان لها الأثر البالغ في تطوير اللغة الفارسية وأدائها حيث عملت تلك الثورة على إدخال المناهج الحديثة والكلمات الجديدة على الأدب والشعر بشكل خاص، بلا شك ان اللغة الفارسية هي من أكثر اللغات احكاما مقارنة مع اللغات الاخرى مثل اللغة العربية واللغات الاخرى، ومن ابرز الشعراء المعاصرين الذين ادخلوا الكلمات الحديثة والاساليب الشعرية المحدثه الى اللغة الفارسية ژاله اصفهانی حيث بعد البحث والتعمق في اشعارها وجدنا الكلمات الرصينة والعبارات المتينة وكثرة الكلمات المشتقة والمشتقة . المركبة مما يدل على قوة اللغة وجمال التعبير وتماسك الصور الشعرية ودلالاتها التعبيرية. الكلمات الرئيسية: ژاله، صرف، اللواحق، السوابق.

**چکیده**

با انقلاب مشروطه، ادبیات کلاسیک در مسیر تحول ناگزینی قدم نهاد، آشکار ترین تحول در رویکرد زبانی ورود واژگان تازه بود که با آن زبان سنتی جای خود را به زبان رایج و معمولی مردم داد. بدون شک زبان فارسی یکی از زبان های پیچیده‌ی دنیاست که در مقایسه با زبان های قاعده‌مندی چون زبان عربی دستورات ادبی و نگارشی‌اش با چشم پوشی از اختلافاتی که محل نزاع است. دوره شعرای معاصر و ژهه‌های جدید و متنوع به زبان فارسی وارد کردند و یکی از آنها ژاله اصفهانی وقت بررسی در دیوان‌اش و تحقیق در ساختار زبانی از نواحی صرفی و اقسام

آنست، او از گویندگان عصر خویش بشمار می رود، ژاله بعد از پروین اعتصامی از شاعران زنان ایران معاصر است، و ویژه خاصی از نواحی صرف و اشتقاق اسمهای وفعال دارد. ترکیبات زیبا در شعرش وجود دارد، مسایل صرفی و اقسام آن در هریکی از شعرای معاصر یا شعرای قدیم در توی زبان شعرهای متین و محکم میباشد چون صرف و اشتقاق (پیشوند و پسوند) دلالت قوت و زیبایی نظم شعر بکار می رود. کلیدواژه‌ها: ژاله، صرف، پیشوند، پسوند.

## مقدمه

(واژه) درباره‌ی چپستی نیز سخن‌های زیادی گفته شده است و هر کسی در حد توان خود تلاش کرده تا تعریفی جامع از آن اریه بدهد، اما نمی توان از وجود ابهام در تعریف آن چشم پوشی کرد با همهی آیت‌ها می توان واژه‌ها را در میان جمله براحته تشخیص داد، زیرا یک جمله با پیوند خوردن تعدادی از واژه‌ها و کنار هم قرار گرفتن آنها ساخته می شود. این واژه‌ها می توانند به واحدهای کوچکتر معنی‌دار و بی معنی تقسیم شوند که آن واحد کوچکتر را (تکواژ) می نامیم، این تکواژ اگر معنی داشته باشد، (تکواژ قاموسی) و اگر بی معنی باشد (تکواژ وابسته) «اشتقاقی و تصریفی» است؛ بعبارتی دیگر تکواژی که بصورت مستقل و ساده بکار رفته و پایه‌ی واژه‌ها تشکیل بدهد (تکواژ آزاد قاموسی) یا (تکواژ واژگانی) گفته می شود؛ مانند (درخت)، (کتاب) این تکواژها به تنهایی و بصورت مستقل بکار می روند، اما بعضی تکواژها را نمی توان به تنهایی بکار برد و باید به تکواژی دیگر متصل کردند و امثال آن در دیوان ژاله اصفهانی بسیار بود و دلیل آن قوت و متانت زبان و نظم شعر وی داشته باشد. تکواژها مشتق و مشتق مرکب از نواحی صرفی در دیوانش بصورت عالی و منظم بود، در این بحث منابع زبان‌شناسی مهمی و بسیار اعتماد بهره بجویم، یکی از علمایی زبان شناسی در بارهٔ عصر شاعران معاصر به سه گروه تقسیم کرد «گروهی اول از شاعران به سبکهای کلاسیک و زبان شعر قدیم علاقمند دارد و گروه دوم به شعر رومانیتیک و خدمت عواطف در شعر خویش میاوردند و گروه سوم آنان مسایل اجتماعی را در شعر خویش بیان می کنند و وجه مشخص این گروه اجتماعی و سیاسی و تصویر قوت و تنوع زبان هائی در اشعار ایشان بکار می روند» (ر.ک: ترابی، ۱۳۷۶: ۱۶۱)، بعد بررسی دیوان اشعار ژاله اصفهانی به قسم سوم از اعتبارات علمایی زبان شناسی بشمار می رود. مشخصات این تحقیق اکثر اشعارش از نواحی مضامین تکواژهای مشتق و مشتق مرکب از نواحی صرفی خیلی بسیار زیبا و متنوع بود، و پژوهشگران برای جمع و تصور به آنها جمع بیاورید، پس از آن همهی موضوعات تحقیق موجود در اشعار ژاله اصفهانی مشخص شده و از لحاظ ساختمان هر موضوعی بصورت گروه گروه و جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، اهمیت این موضوع برای پژوهشگران زبان شناسی به دنبال بررسی این حقیق بود و آنان از این استفاده شده است. بطور کلی می توان دو هدف را برای این تحقیق در نظر گرفت: به دست آوردن شناختی بهتر و دقیق تر از واژه‌های مشتق و مشتق مرکب در زبان و شعر فارسی و همچنین تحلیل آن‌ها از نواحی صرفی در اشعار ژاله اصفهانی است، هدف دیگر ما بررسی واژه‌های یاد شده از لحاظ مفهوم و معنا دلالت آن‌ها از نواحی صرفی و زبان شناسی می باشد، فهم شعر بدون تکیه بر علم صرف و نحوی ممکن نیست.

## مختصر زندگینامه:

شاعر ژاله اصفهانی سال ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی) شهر اصفهان متولد شد و روز ۷ آذر ۱۳۸۶ (۲۸ نوامبر ۲۰۰۷) به کشور لندن در گذشت. شوهرش «شمس الدین بدیع تبریزی» عضو حزب توده بود، ژاله به سن بیست و پنجم سالگی از او ازدواج کرد و همراهش بوده است، او میان سه دولت متقل ایران، آذربایجان و مسکو کرد. اولین شعرش را در سالها هفت سالگی سرود و در سال سزدهم نامش را به «ژاله» تغییر داد، سال ۱۳۲۳ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه‌های تهران فارغ التحصیل گرفته است. ژاله اصفهانی به لندن مهاجرت کرد چون همسرش بعد از انقلاب به ایران باز گشت و در زندان گذارند، وی مجبور مسافرت کرد. دوران زندگی شاعر میان ایران، آذربایجان، مسکو و لندن خیلی سخت بود ولی قوت و اصرار او به دوازده مجموعه شعری نوشته است، میان از آنها سه مجموعه از مهمترین اشعارش در مسکو بعنوان (زنده رود) و در لندن دو مجموعه دیگر بعنوان (البرز بی شکست و خروش خاموش) نوشته شده است. ژاله اصفهانی (شاعر امید) معروف بود و در سن ۸۶ سالگی یکی از بیمارستانهای لندن در گذشت و آنها مدفنش بوده است. مهمترین اشعار وی (گل های خود رو، تهران ۱۳۲۳. کشتی کبود، تاجیکستان ۱۳۵۷. نقش جهان، مسکو ۱۳۵۹. اگر هزار قلم داشتم، تهران ۱۳۶۰. ای باد شرطه، لندن ۱۳۶۲. سرود جنگل، لندن ۱۳۷۱. ترنم پرواز، لندن ۱۳۷۲. موج در موج، تهران ۱۳۷۶). ژاله اصفهانی بعد از پروین اعتصامی شاعران زن ایران بشمار می رود. و اشعارش به دوران دبیرستان چاپ رساندند.

صرف و معنای آن در زبان فارسی:

زبان شناسان فارسی به چهار سطح تقسیم می دهد: واژ شناسی، صرف، نحو، معنی شناسی. در این مقاله به نحو بررسی به کلی اجزای آن از نواحی تعریف و تقسیم و انواع بحث بگذاریم.

تعریف « صرف یا ساخت واژه به زبان فارسی آن قسم از زبان شناسی است که به مطالعه ساخت داخلی صورت واژه می پردازد» (علی پور، ۱۳۷۸: ۱۶۶). مفهوم صرف در زبان فارسی از نظر علماشناسی ایران که خانلری می گوید « یکی از دیگرگونی های مهمی که در زبان های ایرانی انتقال از مرحله باستان به مرحله میانه روی داده فروریختن بنای صرفی تام، یعنی حذف شدن اجزاء پسین کلمه است که رابطه نحوی آن را با اجزاء دیگر جمله بیان می کرده است» (خانلری، ۱۳۸۲، ۱۳۹). و بعضی دیگر می گویند صرف یعنی تغییراتی تکواژی است که بر شکل واژه با افزون پسوندها صورت می گیرد مانند (کار. کارگران. کارگرا).

مثال آن در دیوان ژاله اصفهانی:

کبوتر، نامه‌ی زرین به منقار / ز اوج کوهساران خواهد آمد (اصفهانی، ۱۳۹۶، ۲۷۸)  
چنان سیرم، چنان بیزار و زارم / که یک سر تلخ گشته روزگارم (اصفهانی: ۹۴)

مثال ساده نحوی در دیوان ژاله اصفهانی به دوتا بیت بالا اولین بیت شعری که (کوهساران) اصل این کلمه کوه اضافه ساران معنی اولین بمعنای اضافی دیگر پیدا شد و کلمه در بیت شعری دوم روز اضافه گارم بمعنی دیگر اضافه داد. این حالت صرف تکواژها ساده در دو بیت شعری است. اسلامی یکی از علماشناسی ایران گفت « مطالعات صرفی را دو شاخه ممکن تقسیم میکند: شاخه اول مطالعات صرفی مربوط به ساختار تصریفی کلمه است و دومین دسته دیگر مطالعات صرفی مربوط به واژه سازی باشد که در آن واژه های سازی در زبان توصیف و تبیین می شود». (اسلامی، ۱۳۸۸: ۲).

نمونه از قسم اول در دیوان ژاله اصفهانی:

حذف نشانه فعل مضارع

وقت آن است که خاطر شود آزاد ز غم / باید از شادی گل، شاد شد و شیدا شد (اصفهانی: ۳۲)  
در این بیت شعری حذف نشانه مضارع (می شود) باید می باشد.

قسم دوم از سخن اسلامی در باره واژه سازی نمونه از اشعار ژاله اصفهانی:

شفق سرخ شاد و خندان شد / لعل و یاقوت برفلک پاشید (همان: ۵۱)

این کلمه را اصل فعل (خندیدن) و بعد از پیوند (ان) اضافه کرد دلالت کلمه تغییر شد.

تکواژ در مفهوم صرف زبان فارسی: « حرف، نشانه ای است از مجموعه الفبایی زبان، که به تنهایی یا به یاری حرفی دیگر، یک واج یا یک گروه واجی بوجود می آورد. بعضی از حروف، به تنهایی با یک واج برابرند؛ مانند: ب، پ، د، ل، ن و بسیاری دیگر و حرفی که در ضمن ترکیب با حرف دیگر یک واج می سازد؛ مانند مجموعه ی «و» و «ا» در «خواهر» و «خواب» (فروشیدور، ۱۳۸۲: ۸۳). زبان فارسی دو تکواژ است (تکواژ آزاد. تکواژ وابسته یا مقید) و هر دوتا قسم به چند نوع وجود دارد یعنی تکواژ آزاد (تکواژ آزاد واژگانی. تکواژ آزاد دستوری) اما تکواژ وابسته (تکواژ وابسته واژگانی. تکواژ وابسته دستوری) چنانکه می دانیم، در ساخت واژه، دو تکواژ تصریفی و اشتقاقی وجود دارد بر این اساس علم صرف که به هر دو این تکواژها توجه دارد و به دو قسمت «صرف تصریفی» و «صرف اشتقاقی» تقسیم می شود. صرف تصریفی به جزیی از واژه می پردازد که مستقیماً با نقش نحوی آن مرتبط است، اما در صرف اشتقاقی به آن قسمت از ساخت واژه توجه می گردد که به خود واژه. فارغ از نقش نحوی آن. تعلق دارد و در واقع ساختی است که از رهگذر خود آن واژه به دست می آید (ر.ک: کلباسی، ۱۳۹۱: ۲۰۱۹).

**بررسی صرفی واژه های مشتق و مشتق مرکب در اشعار ژاله اصفهانی:**

بیش از گفتیم، که واحدها زبانی، بسته به محل قرار گیرشان در واژه به سه دسته پیشوند و پسوند و میان وند تقسیم می شود و در اثر تغییر در هر کدام نقش یا معنی کلمه تغییر می کند. پیشوندها همیشه به ابتدای واژه ها اضافه می شوند و نقش به سزایی در تغییر معنی اصلی آن ها دارند. از طرف دیگر پسوندها اجزایی هستند که به انتهای واژه ها افزوده می گردند ولی بر خلاف پیشوندها معنی واژه را عوض نمی کنند، بلکه معمولاً نقش نحوی واژه را دگرگون می کنند. میان وندها در میان واژه ها قرار می گیرد و واژه های مشتق مرکب می سازند.

پیشوند : پیشوند تکراری وابسته است که حرف یا دو حرف یا چند حرف ساخته شده و در اول واژه می آید ومعنی دلالی را تغییر می گیرد و واژه به معنی دیگر می دهد، مانند ( هم . همی . نا . ب ) اگر به واژه هایی دیگر آمده اند معنی دیگر می سازند . طالقانی یکی از علماء علم شناسی می گوید پیشوندها را دو نوع تقسیم کرد ( پیشوند تصریفی . پیشوند اشتقاقی ) . اول پیشوند صورت های واژه ی قاموسی واحد در مورد متعدد مینماید یعنی پیشوند ( می ) به فعل آورده معنی ودلالات فعل تغییر نمی کند صیغت زمان حال استمراری و گذشته استمراری می سازد معنی دلالی واحد وتغییر معنی دیگر نمی دهد مانند « می گفتم . می گویم » . دوم پیشوند که در ساختن واژه های تازه می سازد مانند ( هم ) که با واژه های « همسایه ، همسفر » تشکیل می دهد . قسم دوم از پیشوندها به دو نوع تقسیم می شود ( پیشوند اشتقاقی فعلی . پیشوند اشتقاقی غیر فعلی ) پیشوند فعلی پیش از فعل به کار می رود وفعلی با معنی جدید می دهد ( ر.ک: طالقانی ، ١٣٤٢ : ٥٢ ) . اما پیشوند غیر فعلی کلباسی یکی از علماء علم شناسی می گوید، که با واژه هایی چون اسم، ضمیر صفت، ستاک حال یا ستاک گذشته فعل ترکیب می شوند و واژه های مشتق غیر فعلی « اسم، صفت یا قید » می سازند ( ر.ک: کلباسی، ١٣٩١ : ٩١ ) . پیشوندهای اشتقاقی به کار رفته در اشعار ژاله اصفهانی عبارتند از :

• پیشوند « ن » این پیشوند مفهوم نفی می دهد ومعنی دیگر به فعل یا اسم می سازد ودر دیوان ژاله اصفهانی مورد این پیشوند بسیار بکار میرود : ژاله به نیکی گرای و صلح وصفا جو تا که نگویی دریغ، عمر هدر شد ( اصفهانی: ٢٦ )  
پیشوند «ن» + مصدر + پسوند (ی) لیاقت (نگفتی) بعد از اضافه «ن» نفی به مصدر معنی ودلالات مصدر تغییر کرد از معنای اصل به معنی دیگر شد .

مرغ دل در قفس سینه نگیرد آرام تا غزل خوان به چمن بلبل خوش آوا شد ( همان : ٣٢ )

درین بیت شعری هم «ن» به فعل وارد شد ومعنی دلالی دیگر غیر از معنی اول داد یعنی ( ن ) + ( گیرد ) تگواژ مشتق شد .

ستم نبینی وبر هیچ کس ستم نکنی که بخردان جهان را چنین بود آیین (همان : ص ٣٨٩) .

این بیت شعری ( ن ) به دو فعل وارد شد وانها معنی دو فعل تغییر معنی دلالی می سازد .

( نبینی ) این فعل مصدر ( دیدن ) ( نکنی ) فعل مصدرش ( کردن ) تصریف دو فعل واشتقاق و ( ن ) وارد به آنها معنی دلالی دیگر داده است .

• پیشوند « هم » این پیشوند به معنی اشتراک یا شباهت است؛ در مقام پیشوند غیر فعلی به کار می رود، با اسم ترکیب می شود واسم صفت یا قید می سازد ( ر.ک کلباسی، ١٣٩١ : ٩٤ ) این پیشوند در دیوان ژاله اصفهانی به چند مورد وارد شد مانند :

تو همراه بهاران باز می گیرد ومن چشم انتظارم است ام ( اصفهانی: ٣٨٦ )

درین بیت شعری پیشوند ( هم ) + اسم ( راه ) - صفت می دهد یعنی ( راه ) وبعد پیشوند ( هم ) به آن آمد معنایی صفت می سازد .

تو همچون اخگری پر نور تو همچون اختری از دور

در آغوش شهاب نیمه شبها باز می گیرد به دیدار تو امیدروار است ام ( همان: ٣٨٧ )

پیشوند (هم) + حرف اضافه - قید تشبیه می دهد دراین بیت شعری ( همچون ) صفت ادات تشبیه آمده است ومشبه به ( آغوش شهاب ) وصفت مشبه ( معنوی به صفت شهاب آمد ) . یعنی ( همچون ) به این بیت شعری معنی دلالی دیگر می سازد .

انسان وعصیان از ازل همزاد هستند زیرا که جلاخان تاریخ رحمی به انسانیت (همان : ٤١١ )

پیشوند ( هم ) + بن حال ( زاد . زاییدن ) - صفت می دهد، یعنی در این بیت شعری پیشوند ( هم ) معنی فعل از اصل معنی به معنی دلالی دیگر داده است .

• پیشوند « بی »

یکی از پیشوندهای غیر فعلی به حساب می آید. وبه معنی نفی معمولا با اسم متصل می گردد واسم، صفت یا قید می سازد. ( ر.ک: هاجری، ١٣٧٧ : ١٠٦ ) وبه این موضوع در دیوان ژاله اصفهانی بسیار آورده مانند :

دوست می دارم شبان گه پر توی مهتاب را

نالهای مرغ بی دل، گریه های آب را

در پریشانی نمایم با صبا راز و نیاز

باز گویم قصه‌ی بی مهری احباب را ( اصفهانی: ٣٣ )

پیشوند ( بی ) به دو بیت شعری + اسم ( دل - مهری ) - صفت می داد، یعنی معنای ( دل - مهر ) بدون پیشوند معنی وقت پیشوند ( بی ) به آنها وارد شد، معنی دلالی دیگر می سازد.

غزال من غزل دلنشین غزال جوان تو بی قراری موجی، تو اوج طغیانی ( همان: ٥٣٥ )

در این بیت شعری پیشوند ( بی ) به اسم ( قرار ) - قید می سازد معنی دیگری غیر از معنی کلمه اصلش داده است .  
چو چشم دل بگشایی بر آن مساجد زیبا

زخویش بی خود گردی شوی تو محو تماشا ( همان : ٣١ )

پیشوند ( بی ) + بن گذشته ( گردی ) - صفت می دهد یعنی کلمه قبل از پیشوند معنی وبعد از پیشوند معنی دلالی دیگر می سازد .

• پیشوند « دش - دژ »

پیشوند نام ساز است؛ برای ساختن اسم از اسم وصفی از اسم وصفی به کار برده می شود ( ر . ک ابو القاسمی، ١٣٦٧ : ٧١ ) و در دیوان ژاله اصفهانی به یک جا بکار برده است مانند :

همین است دوزخ دژحیم کها به آتش جواب خواهد داد ( اصفهانی : ٨١٩ )

درین بیت شعری پیشوند ( دژ ) به اسم ( خیم ) آمده صفت ومعنای دلالی دیگر می سازد .

• پیشوند « با »

پیشوند که در اول اسم می آید وصفی مرکب می سازد مانند ( همانجا . همچنین ) برای معیت واتصاف است. ( ر . ک: مشکور ١٣٤٩ :

٢٨٦ ) و به پیشوند در دیوان ژاله اصفهانی بسیار عبارات وخیالات وتوصیفات آورده است مانند :

کی توان با عقل و کوشش بخت را تغییر داد

آن چه بخشیدند ما را قابل تغییر نیست ( اصفهانی: ٢٧ )

پیشوند ( با ) با اسم ( عقل ) صفت عاقلانه می سازد. یعنی این پیشوند صفت دلالی دیگر داده است.

بسا قصور مجلل که با زمین شده یکسان

بسا نقوش مزین که از نظر شده پنهان ( همان: ٣٠ )

درین بیت شعری ( با ) به اسم ( زمین ) صفت ومعنای دلالی بغیر صفت زمین می سازد .

می گذرد برق وار دور جوانی حیف که با درد ورنج عمر بسر شد ( همان: ٢٥ )

معنی بیت شعری ومعنایی کلمه ( درد ) وقتیکه به پیشوند ( با ) متصل شد معنی دلالی غیر از معنا اصلی داده است .

تو روزی باز می گردی تو با باد سحر گاهی کهساران ( همان: ٣٨٦ )

کلمه ( باد ) که معنی ظاهر پیدا مجرد وغیر مشتق است، بعد از پیشوند ( با ) وارد به آن شد ومعنای دلالی دیگر داده است .

اینک، تابستان

با قامت بلند روزان اش

وچهره‌ی فروزان اش ( همان : ٥٣١ )

( قامت ) اسم صفت وقتیکه ( با ) متصل به آن شد مشتق وتغییر معنی دلالی نیز میسازد .

بررسی صرفی واژه‌ی مشتق پیسوندی در دیوان ژاله اصفهانی:

پیسوند تکواژ وابسته ای است که به آخر واژه می چسبد ومعنای خود را تغییر می دهد. منظور از پیسوند حروف مفرد یا مرکب است که به

پایان واژه افزوده شود ودر معنی آنها تصریف کند. پیسوند به دو نوع تقسیم می شود: مفرد ومرکب. پیسوند مفرد آن است که حاوی یک حرف

یا ( واج ) باشد، اما پیسوند مرکب آن است که دو یا چند واج ساخته می گردد، پیسوندهای اشتقاقی به کار رفته در شعر ژاله اصفهانی عبارتند

از :

• پیسوند « ار »

این پسوند به تعداد محدودی از ستاک فعل‌های فارسی ترکیب می‌شود و اسم فاعل، اسم مصدر، صفت مفعولی، صفت نسبی و گاهی اسم معنی می‌سازد. (ر.ک. کلباسی، ۱۳۹۱: ۱۰۰) مورد اشعار ژاله اصفهانی در این پسوند مانند:

عاشق یار پری روی جفاکار شدم چقدر زود بدین دام گرفتار شدم (اصفهانی: ۴۵).

درین بیت شعری کلمه (گرفتار) صفت مفعولی آمد بعد پسوند (ار) به آن کلمه چسبید معنی دلالی دیگر می‌سازد و تحلیل این کلمه ستاک گذشته + پسوند (ار) - کلمه صفت مفعولی گرفته است.

دل دیوانه را دادم به دلدار نظر بازی سیه شد روزگار من ز چشم مست غمازی (همان: ۴۶).

به این بیت شعری اسم (دل) با پسوند (ار) آمد به شکل صفت نسبی است و معنی دلالی دیگر از معنی اصل داده است.

شادم البته من ز دیدار مدتی هم نبینمت، غم نیست (همان: ۵۰).

کلمه‌ی (دیدارت) مشتق مرکب است ستاک گذشته با پسوند (ار) صفت مفعولی می‌دهد و معنای دلالی غیر از معنای اول می‌سازد.

پسوند «گان»، وند چندان زایا نیست و معنی آن نسبت است. این پسوند، با اسم و عدد می‌پیوندد و اسم صفت می‌سازد (ر.ک. کلباسی، ۱۳۹۱: ۱۳۴) و در دیوان ژاله نمونه‌های از آن پسوند مانند:

ما را به آب و دانه‌ی دنیا چه التفات کاین دیدگان آشک فشان آبروی ماست (اصفهانی: ۲۱).

درین بیت شعری کلمه (دید) + پسوند (گان) آمده و معنی دلالی دیگر غیر از معنی کلمه اصلی داده است.

پرنندگان مهاجر در این غروب خموش که ابر تیره تن انداخته به قله‌ی کوه (همان: ۱۰۳).

(پرنندگان) اسم فاعلی بعد از پسوند (گان) آورده و معنی دلالی دیگر غیر از معنی اول آمده است.

• پسوند «وار»

این پسوند با اسم و صفت می‌پیوندد و اسم یا صفت یا قید می‌سازد (ر.ک. کلباسی، ۱۳۹۱: ۱۴۲) و نمونه‌های از شعر ژاله اصفهانی عبارتند از:

می‌گذرد برق وار دور جوانی حیف که با درد و رنج عمر بسر شد (اصفهانی: ۲۵).

پسوند (وار) با اسم (برق) پیوند و معنای دیگر بصفت صفت آمد و معنی دلالی دیگر بصفت سرعت و قوت می‌سازد.

کی فرو ریزد ز مژگان اشک حسرت ژاله وار

آن که از هجران باران خسته و دل گیر نیست (اصفهانی: ۲۷).

(ژاله وار) اسم بشکل صفت آمد بعد از پسوند (وار) به آن چسبید و معنای دلالی بصفت دیگر از بیت شعری می‌سازد.

ای دل بیا به شمع رخ دوست بنگریم پروانه‌وار در ره‌اش از خویش بگذریم (همان: ۴۱).

(پروانه وار) صفت زیبا و قشنگ در این بیت آمد یعنی معنی دلالی دیگر غیر از معنی اصل واژه بعد از پسوند (وار) تغییر معنی ساخته است.

• پسوند «ان»

این پسوند با اسم یا صفت یا ستاک حال فعل می‌پیوندد و اسم یا صفت یا قید می‌سازد مانند: پسوند (ان) اگر به آخر ستاک آمد صفت فاعلی می‌سازد اما به آخر ستاک حال آمد اسم مصدر می‌دهد و اما به آخر اسم اگر می‌چسبید صفت نسبی می‌سازد. (ر.ک. کلباسی، ۱۳۹۱: ۱۰۲). و در شعر ژاله اصفهانی بسیار نمونه‌های آمده‌است مانند:

آری هر گز ندید روی سعادت آن که پریشان دل از قضا و قدر شد (اصفهانی: ۲۵).

اینجا در این بیت شعری (پریشان) آمد بمعنی حال و صفت فاعلی بعد از پسوند (ان) چسبید به اسم معنی دلالی از اسم به صفت فاعلی می‌سازد.

ببین چگونه سپاهان که بوده مسکن مردان ز حادثات زمانه خراب گشته و ویران (همان: ۳۰).

(مرد) اسم و بعد (ان) به آن اسم چسبیده معنی دلالی و صفت فاعلی می‌سازد، یعنی (مردان) یعنی قوت و مردانه به این معنی در این بیت آمده است.

نه چنین نیست اختری زیبا ست که درخشان به گنبد میناست (همان: ۳۳).

(درخشان) صفت فاعلی بعد از پسوند به این کلمه آمده معنی کلمه از اسم به صفت فاعلی ومعنی دلالی دیگر می سازد .

• پسوند « گاه »

این پسوند با اسم، صفت، مصدر، ستاک حال یا ستاک گذشته‌ی فعل و حتی فعل صریف شده ترکیب می شود واسم می سازد ( ر.ک : کلباسی، ۱۳۹۱ : ۱۳۵ )، ویکی از علمای زبان شناسی گفت در زبان پهلوی، واژ های مستقلی بوده است به معنای «جا» و «مکان»، اما در فارسی پس از اسلام، همیشه در ترکیب با اسم به کار رفته است و از همین رو، باید آن را پسوند به شمار بیاوریم ( ر.ک : طباطبایی، ۱۳۹۵ : ۹۹ )، نمونه از اشعار ژاله اصفهانی به این موضوع مانند :

این مگر قلب عاشق زار است که شبانگاه می شود لرزان ( اصفهانی : ۳۳ ).

درین بیت شعری پسوند ( گاه ) به ( شب ) امد واسم مشتق و سه تکواژ تشکیل داد ومعنی دلالی دیگر هم می سازد وقتیکه اسم ( شب ) معنی وبعد پسوند ( گاه ) جسبید به آن دلالت شب تغییر کرد .

سجده‌گاه در پهنه ی غوغایی زمین یا در گستره‌ی رازناک افسانه‌ها ( همان : ۵۶۰ ).

اسم با پسوند ( گاه ) - اسم مکان می سازد، معنای دلالت اسم در این بیت شعری تغییر ومعنی دیگر داد .

• پسوند « گار »

این پسوند با اسم، ستاک گذشته، ستاک حال ترکیب می شود واسم یا صفت می سازد. ( ر.ک : کلباسی، ۱۳۹۱ : ۱۳۴ )، مانند چند نمونه از اشعار ژاله اصفهانی عبارتند از :

کاخ‌های زیرنگار

کلبه‌هایی که پوشالی‌اند

تا چشم بر هم زنی

از من و شما خالی‌اند. ( اصفهانی : ۵۵۴ ).

اسم ( زرین ) با تخفیف ( ی ) و پسوند ( گار ) معنای دلالت کلمه به معنای دیگر می سازد .

هر چند ما شیفه‌ی بهاریم

با گذشت بهاران نیز سازگاریم

زیرا که در سیلاب فصل‌ها

شناور بوده‌ایم وشکیبا ( همان : ۵۳۱ ). کلمه مشتق مرکب و پسوند ( گار ) با پایان ستاک فعل وصفیت مفعولی داد ومعنی دلالت دیگر تغییر کرد .

• پسوند « گین »

« این پسوند با اتصال به اسم معنی، صفت‌هایی می سازد که توصیف کننده‌ی حالت روحی یا فیزیکی مذکور در کلمه‌ی ریشه‌اند، این پسوند ادبی دیگر زایا نیست ». ( کشانی، ۱۳۷۱ : ۵۱ )، نونه از اشعار ژاله اصفهانی عبارتند از :

لذت شادی نبرد خاطر غمگین چهره ی جانان ندید دیده چو تر شد ( اصفهانی : ۲۵ ).

اسم ( غم ) با پسوند ( گین ) صفت می سازد، یعنی کلمه به دلالت دیگر پیدا شد .

• پسوند « گون »

یک پسوند ادبی است با صفت واسم ترکیب می شود وصفیت های رنگ وشباهت می سازد. ( ر.ک : کشانی، ۱۳۷۱ : ۴۲ )، نمونه از اشعار ژاله اصفهانی مانند :

نور خورشید چو بر چهره‌ی ما می تابید هر دو از شوق وطرب خرم و گلگون بودیم ( اصفهانی : ۳۹ )

کلمه ( گلگون ) صفت ومعنای دلالی به رنگ می سازد، یعنی پسوند ( گون ) با ( گل ) آمد به طور وشکل کلمه‌ی معنی داده است .

• پسوند « مند »

از زبان پهلوی و اوستا گرفته شده است و در زبان پهلوی بجای « مند، امند، یا اومند » بوده است. این پسوند با بعضی از اسمهای معنا صفت می سازد که به بعضی دارندگی است مانند « ثروتمند » به معنی شخصی که ثروت یا پول زیاد دارد ( ر.ک : همایونفرخ، ۱۳۶۴ : ۱۷۳ )

اما ديگر مي گويد « مند » پسوند ادبي و از پسوندهاي زندهي زبان فارسي مي باشد و به صورت « اومند » نيز ظاهر مي شود ( ر.ک : کشاني، ١٣٧١ : ٣٩ ) و در ديوان ژاله اصفهاني مانند :

زندان بود براي من اين جسم دردمند من خود ز خویش سيرم و خلقي ز خوي من ( اصفهاني : ٤٢ ).

پسوند ( مند ) با اسم ( درد ) آمده معنای دلالت ديگر از اسم ( درد ) تغيير کرد و از اسم به صفت مي سازد .  
منابع :

١. علي پور، مصطفى، (١٣٧٨)، ساختار زبان شعر امروز، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسي .
٢. خانلري، دستور زبان فارسي، به كوشش، عفت مستشارنيا، انتشارات توس، چ٥، ١٣٨٢، ص١٣٩ .
٣. ديوان ژاله اصفهاني، ١٣٩٦، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه .
٤. اسلامي، محرم، (٣٨٨)، «ساختار تصريفي كلمه در زبان فارسي» نشریه زبان فارسي و ادب دانشکده ادبيات و علوم انساني دانشگاه تيريز .
٥. فروشيورد، خسرو ١٣٨٢، دستور مفصل امروز برپايه ي زبانشناسي جديد، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن .
٦. طالقاني، سيد کمال . ١٣٤٢، مختصر دستور زبان فارسي، چاپ اول، تهران : فرهنگ معاصر .
٧. کلباسي، ايران ١٣٩١، ساخت اشتقاقی واژه در فارسي امروز، چاپ پنجم، نشر تهران : پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي .
٨. هاجري، ضياء الدين، ١٣٧٧، فرهنگ وندهاي زبان فارسي، تهران: انتشارات آواي نور .
٩. ابو القاسمي، محسن ١٣٦٧، پنج گفتار در دستور تاريخي زبان فارسي، چاپ اول، بابل: نشر کتاب سراي بابل .
١٠. مشکور محمد جواد، ١٣٩٦، دستور زبان فارسي؛ واژگان و پيوندهاي ساختي، چاپ ششم، تهران سمت .
١١. طباطبائي، علاء الدين ١٣٩٥، فرهنگ توصيفي دستور زبان فارسي، چاپ يكم، تهران، فرهنگ معاصر .
١٢. کشاني، خسرو ١٣٧١، اشتقاق پسوندي در زبان امروز، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهي تهران .
١٣. همایونفرخ، عبد الرحيم، ١٣٦٤، دستور جامع زبان فارسي، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمي .
١٤. ترابي، علي اکبر ١٣٧٦، جامعه شناسي در ادبيات تهران، انتشارات امير کبير .

1. Alipour, Mustafa, (1378), The Language Structure of Today's Poetry, First Edition, Tehran, Ferdowsi Publications.

2.Khanlari, Farsi Grammar, edited by Efat Mansherania, Tos Publications, 1382, Ch. 5, p. 139.

3. Divan Jhaleh Isfahani, 1396, first edition, Tehran, Negah Publications.

4.Eslami, Muharram, (388), "Word Conjugation Structure in Persian Language", Persian Language Journal, Faculty of Literature and Human Sciences, Tabriz University.

5.Proshidord, Khosrow 1382, today's detailed grammar based on new linguistics, first edition, Tehran: Sokhon Publications.

6. Taleghani, Seyed Kamal. 1342, Persian grammar summary, first edition, Tehran: Farhank Mazazer.

7.Kolbasi, Iran 2013, word derivation in Persian today, 5th edition, Tehran publication: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.

8.Hajri, Ziauddin, 1377, Farhang Vandhai Persian Language, Tehran: Avai Noor Publications.

9.Abu al-Qasmi, Mohsen 1367, Five Speeches in the Historical Grammar of the Persian Language, First Edition, Babol: Ketab Sarai Babol Publishing House.

10.Mashkooor Mohammad Javad, 2016, Persian grammar; Vocabulary and constructional links, 6th edition, Tehran Semit.

11.Tabatabai, Aladdin 2015, Descriptive Dictionary of Persian Grammar, 1st Edition, Tehran, Contemporary Culture.

12.Keshani, Khosrow 1371, suffix derivation in today's language, first edition, Tehran University Publishing Center.

13.Homayoun Farrokh, Abdul Rahim, 1364, comprehensive grammar of the Persian language, third edition, Tehran: Scientific Publications.

14.Torabi, Ali Akbar 1376, Sociology in Tehran Literature, Amir Kabir Publications.